

فرامرز، تسمه ای برای تمام تایم ها

در سالی که گذشت متأسفانه هموطنان زیادی را به دلیل ابتلا به کرونا از دست دادیم. اما در میان جانباختگان چهره ای حضور داشت که از جهاتی با تمام جانباختگان فرق می کرد. کسی که رفتنش تقریباً همه احزاب و گروه های سیاسی را عزادار کرد. او کسی نبود جز دکتر فرامرز منعطف که همچون توریبنی بینا همواره در بزنگاه های مهم تاریخی حق را از ناحق تشخیص می داد و با سرعتی حیرت آور به همان سمت می چرخید. باهم مروری داریم بر برهه های حساس زندگی این مدیر گرانقدر.

عشق سازندگی

فرامرز دانشجوی ترم سه دانشگاه آزاد بود که زمزمه های ثبت نام عبدالله جاسبی در انتخابات ریاست جمهوری شنیده شد. او بلافاصله بعد از شنیدن این زمزمه ها در خودش میل شدیدی به دکتر جاسبی احساس کرد. نصف ترم را مشغول تبلیغات میدانی و محیطی پیش از موعد برای جاسبی بود و تمام قد یک جاسبیتی شده بود که متوجه شد خود جاسبی هم رفسنجانی است. بعد از اینکه دید احتمال رای آوردن رفسنجانی از احتمال گل شدن پنالتی های علی پروین هم بیشتر است. به شدت سرخورده شد و در فکر فرو رفت. عبور از جاسبی برای فرامرز سخت بود. خیلی سخت. در حدی که ۳ دقیقه فکرش را مشغول کرد. اما در آغاز دقیقه چهارم سختی ها به پایان رسید و فرامرز

تصمیم گرفت ستاد دانشجویان حامی رفسنجانی را دایر کند. دایر کردن ستاد همانا و ورود فرامرز به حلقه سوم چهارم اطرافیان آقای رفسنجانی همانا. بعد از پیروزی آقای رفسنجانی در انتخابات فرامرز که عاشق سازندگی بود مثل سربازی در مکتب سازندگی تلاش کرد و اتفاقاً ساخت و ساز های زیادی را هم به نتیجه رساند. از آن جمله می توان به ساخت طبقه دوم خانه اش و یک ویلا در لواسان اشاره کرد.

اصلاحاتم آرزوست

با پایان دولت سازندگی و آغاز دوره اصلاحات، فرامرز اصلاحات بنیادینی را در خودش ایجاد کرد. مثلاً به جای کت و شلوار شلوار لی و تیشرت آستین کوتاه می پوشید. موهایش را بلند کرد و فرق از وسط باز می کرد. حتی ریش هایش را هم لنگری می زد. همزمان هفته نامه ای را هم با عنوان «طلوع خرداد» راه اندازی کرد. هفته نامه طلوع خرداد چند ماه بعد به دلیل توهین به مقدسات توقیف شد. اما فرامرز ظهر همان روز هفته نامه «ظهر خرداد» را که مجوزش را همزمان با طلوع خرداد گرفته بود دایر کرد. او در این نشریه هم همان رویه طلوع خرداد را در پیش گرفت. سه صفحه مختص به انتشار تصاویر جدید هنر پیشه ها در دیدار با رئیس جمهور، یک صفحه تصاویر خواندن خطبه عقد هنرمندان توسط رئیس جمهور، یک صفحه جزئیات مراسم عقد و شعر هایی که خانواده عروس و داماد متقابلاً می خواندن، یک صفحه کادو های سر

عقد. و باقی صفحات هم در رد خرافات دینی مثل نماز خواندن و روزه گرفتن بود. این نشریه که با وجود اتهام توهین به مقدسات چندین مرتبه تا مرز توقیف رفته بود در نهایت به دلیل انتشار عکس های خصوصی عروس و داماد و نوشتن هدیه دایی یکی از داماد ها به اسم دایی عروس به دلیل داشتن شاکی خصوصی توقیف شد. اما فرامرز غروب همان روز نشریه «غروب خرداد» را منتشر کرد. فرامرز به پاس همین جدیت و پشتکاری که داشت به حلقه نزدیکان درجه دو رئیس جمهور وارد شد و مسئولیت ارتباط بین هنرمندان و آقای خاتمی به او واگذار شد. فرامرز در این دوره ۸ ساله کاملاً به آرمان های اصلاحات وفادار بود و هیچ سازندگی انجام نداد حتی ساخت طبقه سوم روی خانه اش را هم متوقف کرد و با فروش آن به سعادت آباد نقل مکان کرد. او همچنین به انجام اصلاحاتی در ویلای لواسان و نقشه ویلای در آستانه احداثش در خزر شهر بسنده کرد.

فرامرز کاپشن پوش می شود.

غروب خرداد که توقیف شد. دولت اصلاحات هم به غروب خودش رسیده بود. اصلاحات دیگر فرامرز را راضی نمی کرد. برای همین همزمان با کلنگ زنی ساخت ویلایش در خزر شهر دوباره عاشق سازندگی شد و یکی از برگزین ستادهای شمال تهران را در حمایت از هاشمی رفسنجانی بنا کرد. اما با ورود انتخابات به دور دوم. بار دیگر توریبنی فرامرز به کار افتاد و دید عجیب دل بسته معجزه هزاره سوم شده است. در همان شب اعلام نتایج دور اول دستور داد همه عکس های رفسنجانی را پایین بیاورند و با نصب چند عکس سیاه و سفید از احمدی نژاد، ستاد مردی او را راه اندازی کرد. منعطف که به انعطاف های شدید بدون وارد آمدن هیچ آسیبی به تسمه تایمش مشهور بود. از همان شب ساده زیستی راه هم در پیش گرفت و به یک پرس چلو کباب بسنده کرد. فرامرز بعدها در دیداری با اسفندیار رحیم مشایی با اثبات درخت بودنش به این کنده با تجربه توانست اعتماد او را به دست بیاورد و به عنوان مدیری پاکدست سکان یکی از دستگاه های مهم کشور را به دست بگیرد. اینکه در جلسه بین فرامرز و اسفندیار چه گذشته را کسی نمی داند اما شنیده ها از این حکایت دارد که فرامرز برای اثبات درخت بودنش به مشایی، در لحظه جوانه زده است! فرامرز در دوره هشت ساله احمدی نژاد در راستای وفاداری به دولت بهار هیچ وقت کاپشن بهاری اش را در نیارود و حتی در مراسم دامادی پسرش هم کت و شلوار را از روی کاپشن پوشید. کاشت ۸۰۰ اصله درخت